



کاهش جمعیت در آفریقا

نحوه تفکر جهان در مورد جمعیت جنوب صحرای آفریقا، که پر از خانواده‌های بزرگ و چند ده نفره است، نه فقط در حال حاضر بلکه در دهه‌های آینده خبر از افزایش جمعیت می‌دهد. در کنفرانس‌ها و در جلسات کابینه در سراسر قاره، سیاستمداران و سیاست‌گذاران دربارۀ نحوه آموزش، استخدام، اسکان و تغذیه جمعیتی که سازمان ملل انتظار دارد با سرعت سرسام‌آوری از حدود ۱.۲ میلیارد نفر در حال حاضر به ۳.۴ میلیارد نفر تا سال ۲۱۰۰ افزایش یابد، نگران هستند. در جنوب اروپا، پوپولیسیت‌ها این نگرانی را برانگیختند که صدها میلیون آفریقایی ممکن است برای فرار از فقر، جنگ یا گرسنگی تلاش کنند از مدیریت عبور کنند. در سرتاسر جهان ثروتمند، دوستداران محیط زیست از تأثیر ۲ میلیارد نفر اضافی بر آب‌وهوا و سیاره زمین می‌ترسند.

با این حال، تعداد کمی از داده‌های جدید به این تحلیل رسیده‌اند که نرخ زادوولد در آفریقا بسیار سریع‌تر از حد انتظار در حال کاهش است. اگر چه هنوز رشد زیادی وجود دارد، اما این رشد می‌تواند تأثیر زیادی بر کل جمعیت آفریقا تا سال ۲۱۰۰ داشته باشد. همچنین می‌تواند رونق بزرگی برای توسعه اقتصادی این قاره ایجاد کند. آفریقا احتمالاً دستخوش همان تغییرات سریعی خواهد شد که در شرق آسیا به وقوع پیوست. قابل توجه‌ترین کشور آفریقایی در کاهش نرخ باروری نیجر به است؛ جایی که یک نظرسنجی تحت حمایت سازمان ملل در سال ۲۰۲۱ نشان داد نرخ باروری از ۵.۸ به پنج سال قبل به ۴.۶ کاهش یافته است. به نظر می‌رسد این رقم به‌طور گسترده توسط نظرسنجی دیگری تأیید شده است. این بار با حمایت (USAID)، ژانسن کمک‌رسانی آمریکا، که در سال ۲۰۲۱ نرخ باروری را ۴.۸ بر آورد کرد که از ۶.۱ در سال ۲۰۱۰ کمتر بوده است. همین روند در دیگر کشورهای آفریقایی نیز مشاهده می‌شود. برای مثال غنا، مالی، سِنِگال و گامبیا چنین وضعیتی دارند.

این کاهش باروری، غرب آفریقا را به نرخ پایین‌تر باروری که در بیشتر مناطق جنوب آفریقا مشاهده می‌شود، نزدیک‌تر می‌کند. کاهش نرخ‌ها قبلاً در مکان‌هایی مانند اتیوپی و کنیا جشن گرفته شده است. با این حال، نرخ باروری به‌طور یکنواخت کاهش نمی‌یابد. برخی کشورها، از جمله آنگولا، کامرون و کنگو، ظاهراً در نرخ‌های نسبتاً بالایی گیر کرده‌اند. در این زمینه اغلب اختلافات منطقه‌ای بزرگی در کشورهایمانند کنیا وجود دارد؛ تقریباً در همه‌جای آفریقا، نرخ باروری برای زنان شهری که معمولاً ۳۰ تا ۴۰ درصد فرزندان کمتری نسبت به روستاها دارند، بسیار پایین‌تر است. تحصیل دختران تفاوت زیادی در نرخ باروری ایجاد می‌کند. به‌عنوان مثال، در آنگولا، زنان بدون تحصیل ۷.۸ فرزند دارند، در حالی که زنان با تحصیلات عالیه ۲.۳ فرزند دارند. زنان تحصیلکرده شانس بیشتری برای یافتن شغل دارند، بنابراین هزینه فرصت ماندن در خانه برای مراقبت از کودکان بیشتر است و احتمال بیشتری وجود دارد که آن‌ها برنده مشاغل‌هایی با شوه‌ران خود بر سر تعداد بچه باشند.

پیامدهای کاهش مداوم و شتابان در نرخ باروری بسیار زیاد است. برای شروع، جمعیت آفریقا و در نتیجه جهان، به‌طور قابل توجهی کمتر از اکثر پیش‌بینی‌های فعلی خواهد بود. نیجریه را در نظر بگیرید؛ اگر آخرین بررسی‌ها در سال ۲۰۲۱ برای نرخ باروری ۴.۶ این کشور درست باشد، این نشان می‌دهد که نرخ باروری قبلاً در مرز پایین‌تری از برآوردهای سازمان ملل و در مسیر باروری بسیار پایین‌تر از پیش‌بینی اصلی سازمان ملل قرار داشته است. با فرض اینکه نیجریه در مسیر پایین‌تر باقی بماند، جمعیت آن در سال ۲۰۶۰ به حدود ۳۴۲ میلیون نفر خواهد رسید. این رقم حدود ۹۰ میلیون نفر کمتر از تخمین پایه فعلی سازمان ملل و حدود ۲۰۰ میلیون نفر کمتر از پیش‌بینی ۱۰ سال قبل است.

گزارش

بلکه کاهش تولد است. در بسیاری از نقاط جهان، نرخ باروری، میانگین تعداد تولد به‌ازای هر زن، در



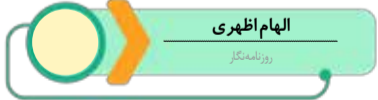
در سال ۲۰۰۰ نرخ باروری در جهان ۲.۷ تولد به‌ازای هر زن به‌راحتی بالاتر از «نرخ جایگزینی» یعنی ۲.۱ نوزاد به‌ازای هر زن بود. نرخ جایگزینی تعداد مورد نیاز کودکان به‌ازای هر زن است که در آن جمعیت ثابت می‌ماند. امروزه این نرخ به ۲.۳ سقوط کرده است. در حال حاضر ۱۵ کشور بزرگ از نظر تولید ناخالص داخلی، همگی نرخ باروری کمتر از نرخ جایگزینی دارند. این شامل آمریکا و بیشتر کشورهای ثروتمند جهان است، اما چین و هند نیز به‌زودی وارد سقوط نرخ جایگزینی می‌شوند. این دو کشور مجموعاً بیش از یک‌سوم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند اما از نظر تولید ناخالص داخلی هم‌پای کشورهای صنعتی دیگر نیستند.

عصا به جای کالسکه

اکنون در نقاط مختلف دنیا، صدای ریز پاهای کودک باصدای تق تق عصا جایگزین می‌شود. نمونه‌های بارز کشورهای سالخورده دیگر شامل ژاپن و ایتالیا نیست بلکه برزیل، مکزیک و تایلند نیز به کشورهای پیر ملحق می‌شوند. تا سال ۲۰۳۰ بیش از نیمی از ساکنان شرق و جنوب شرق آسیا بیش از ۴۰ سال خواهند داشت. از آنجایی که پیر‌هایی میرند ولی به‌طور کامل جایگزین نمی‌شوند، لاجرم جمعیت کاهش می‌یابد. پیش‌بینی می‌شود که جمعیت جهان در خارج از آفریقا، تا دهه ۲۰۵۰ به اوج خود برسد و این قرن با جمعیت کمتری نسبت به امروز به پایان برسد. حتی در آفریقا هم که پیش‌بینی‌های قبلی خبر از رشد جمعیت جوان آن می‌داد نرخ باروری به‌سرعت در حال کاهش است. جهان به پیر شدن نزدیک نیست و مشکلات اقتصادی ناشی از تعداد کمتر جوانان بسیار است. این واضح است که حمایت از بازنشستگان جهان سخت‌تر می‌شود. بازنشستگان از بازده افراد در سن کار استفاده می‌کنند، چه از طریق تأمین دولت که از کارگران برای پرداخت مستمری‌های عمومی مالیات می‌گیرد، چه از طریق نقد کردن پس‌انداز برای خرید کالاها و خدمات و یا با کمک بستگان و بدون پرداخت هزینه از بازنشستگان حمایت شود. در همه حالت‌ها سالمندان بازنشسته از نیروی جمعیت جوان برای ادامه حیات خود بهرمند می‌شوند. جهان ثروتمند حدود سه نفر بین ۲۰ تا ۶۴

گزارش

دست داده است. امید به زندگی مردان روسی تقریباً پنج سال کاهش یافته و تعداد روس‌هایی که



جنگ تنها علت یا علت اصلی این مشکلات نیست، فقط همه آن‌ها را بدتر کرده است. بر اساس برآوردهای غربی، ۱۷۵ هزار تا ۲۵۰ هزار سرباز روسی در سال گذشته کشته یا زخمی شده‌اند. همچنین چیزی بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون نفر از افراد تحصیلکرده و جوان به خارج مهاجرت کرده‌اند. حتی اگر روسیه هیچ مشکل جمعیتی دیگری نداشت، از دست دادن تعداد زیادی جوان در چنین مدت کوتاهی در دناک است.

ریشه‌های بحران

ریشه‌های بحران روسیه به ۳۰ سال قبل بازمی‌گردد. این کشور در سال ۱۹۹۴ با ۱۴۹ میلیون نفر به اوج جمعیت رسید. مجموع جمعیت از آن زمان زیگازگی به‌سمت پایین بوده است. در سال ۲۰۲۱ این رقم ۱۴۵ میلیون بود و بر اساس پیش‌بینی‌های سازمان ملل، در صورت تداوم الگوهای فعلی، مجموع این رقم در طی ۵۰ سال به ۱۲۰ میلیون خواهد رسید. این امر روسیه را به پانزدهمین کشور پر جمعیت جهان تبدیل می‌کند که نسبت به رتبه ششم در سال ۱۹۹۵ جایگاه پایین‌تری است. به گفته «الکسی راکشا»، جمعیت‌شناس مستقلی که قبلاً برای سرویس آمار دولتی کار می‌کرد، اگر فقط به سال‌های صلح نگاه کنید، تعداد تولدهای ثبت‌شده در آوریل سال

حدود ۲۵۰ سال پس از انقلاب صنعتی، امروز جمعیت جهان (مانند منابع و ثروت‌های آن) در حال منفجر شدن است. با این حال، برای اولین‌بار از زمان طاعون و پیش از پایان این قرن، تعداد افراد روی این سیاره کاهش می‌یابد. علت اصلی این اتفاق نه افزایش مرگ‌ومیر، بلکه کاهش تولد است. در بسیاری از نقاط جهان، نرخ باروری، میانگین تعداد تولد به‌ازای هر زن، در



سال (در سن کار) به‌ازای هر فرد بالای ۶۵ سال دارد که این نسبت تا سال ۲۰۵۰ کمتر از دو نفر خواهد بود. پیامدهای این وضعیت مالیات‌های بالاتر، بازنشستگی‌های دیرتر، بازده واقعی کمتر برای پس‌انداز کنندگان و احتمالاً بحران بودجه دولت است.

چالش فروپاشی باروری

نسبت پایین کارگران به مستمری‌بگیران تنها یکی از مشکلات ناشی از فروپاشی باروری است. مثلاً افراد جوان به میزان بیشتری از آنچه روانشناسان «هوش سیال» می‌نامند بر خور دارند. «هوش سیال» توانایی تفکر خلاقانه برای حل مشکلات به روش‌های کاملاً جدید است که برای پیشبرد اهداف اقتصادی و اجتماعی ضروری است. این پویایی جوانی مکمل دانش انباشته شده کارگران مسن است و تغییر را به ارمغان می‌آورد. اختراعات ثبت‌شده توسط جوان‌ترین مخترعان به احتمال زیاد نوآوری‌های موفقیت‌آمیز را در خود دارد. کشورهای مسن‌تر فعالیت و ریسک‌پذیری کمتری دارند و در عین حال به‌نظر می‌رسد که جوانان‌شان نیز فعالیت کمتری از خود نشان می‌دهند. از طرف دیگر رای‌دهندگان مسن سیاست را سخت می‌کنند. از آنجایی که در هنگام رشد اقتصاد، افراد مسن کمتر از جوانان سود می‌برند، پژوهش‌ها

برای نخستین بار در تاریخ اتفاق افتاد

کاهش نرخ زاد و ولد در جهان

حال سقوط است. شاید این روند در نگاه اول چندان مهم به نظر نرسد، اما وسعت و پیامدهای آن در ابعاد بزرگ ترسناک است. این در حالی است که هوش مصنوعی (AI) منجر به خوش‌بینی فزاینده‌ای در برخی از بخش‌های تولید و اقتصاد شده، اما همچنان کمبود کودکان بر آینده اقتصاد جهانی اثر گذار است.

معنی است که تا اواسط قرن، جهان با کمبود کارگران جوان تحصیلکرده مواجه خواهد شد، مگر اینکه چیزی تغییر کند.

شکاف بین آرزو و واقعیت

مردم اغلب در نظر سنجی‌ها می‌گویند که بیشتر از تعداد فرزندی که دارند، بچه می‌خواهند. این شکاف بین آرزو و واقعیت می‌تواند تا حدی به این دلیل باشد که والدین بالقوه (افراد در سن باروری) که در واقع به بازنشستگان یارانه می‌دهند، نمی‌توانند فرزندان بیشتری داشته باشند. با این حال در سطحی بزرگ‌تر توسعه اقتصادی همچنان به کاهش باروری به زیر نرخ جایگزینی منجر خواهد شد. سیاست‌های طرفدار خانواده سابقه ناامیدکننده‌ای دارند. سَنگاپور کمک‌های مالی فراوان، تخفیف‌های مالیاتی و یارانه‌های مراقبت از کودکان ارائه می‌دهد اما نرخ باروری آن در سطح ۱.۰ است. آزاد کردن پتانسیل فقرای جهانی، مسئله کمبود کارگران جوان تحصیلکرده را بدون تولد بیشتر کاهشی می‌دهد. دو سوم کودکان چینی در حومه شهر زندگی و عمدتاً در مدارس نامناسب تحصیل می‌کنند. همین نسبت از افراد ۲۵ تا ۳۴ ساله در هند تحصیلات متوسطه را تکمیل نکرده‌اند. رشد جوانان آفریقا برای چندین دهه ادامه خواهد داشت. به همین دلیل تقویت مهارت‌های آن‌ها به‌خودی‌خود مطلوب و ممکن است مهاجران جوان بیشتری را به‌عنوان مبتکران اقتصادهای راكد معرفی کند. با این حال، توسعه از طریق تشویق دشوار است و هر چه مکان‌ها زودتر ثروتمند شوند، زودتر پیر می‌شوند. در نهایت، جهان باید به جوانان کمتری بسنده کند و شاید مجبور شود با کاهش جمعیت بسازد. از طرفی پیشرفت‌های اخیر در هوش مصنوعی نمی‌توانست در زمان بهتری رخ دهد. یک اقتصاد مولد مبتنی بر هوش مصنوعی به پشتیبانی آسان‌تر از تعداد بیشتر بازنشستگان کمک می‌کند. در نهایت هوش مصنوعی ممکن است بتواند به تنهایی ایده تولید کند و نیاز به هوش انسان را کاهش دهد و یا در ترکیب با سیستم‌های رباتیک، نیروی کار مراقبت از سالمندان را کمتر کند. چنین نوآوری‌هایی مطمئناً تقاضای زیادی خواهند داشت و احتمالاً در صف دستیابی قرار گرفته‌اند. اگر فناوری به‌شیرت اجازه دهد که بر مسئله کمبود زاد و ولد غلبه کند، با الگوی فعلی تاریخی مطابقت خواهد داشت. تعداد نوزادان کمتر به معنای نبوغ کمتر انسان است، اما احتمالاً نبوغ بشری می‌تواند بر این مشکل پیروز شود.

منبع: اکونومیست

تراژدی جمعیتی روسیه را تهدید می کند

در آوریل سال ۲۰۲۲ به دنیا آمده‌اند بیشتر از ماه‌های اشغال روسیه در جنگ جهانی دوم نبوده است. از آنجا که تعداد زیادی از مردان در سن جنگ مرده یا به خارج مهاجرت کرده‌اند، اکنون تعداد زنان به‌صورت قابل توجهی بیشتر از مردان است.



عجیب از مرگ‌ومیر جهان سوم و آموزش جهان اول را ارائه می‌دهد. این کشور دارای بالاترین میزان پیشرفت تحصیلی در بین افراد بالای ۲۵ سال در جهان است، اما مهاجرت جوانان تحصیلکرده این مزیت را از بین می‌برد. به گفته وزارت ارتباطات روسیه، ۱۰ درصد از کارکنان فناوری اطلاعات در سال ۲۰۲۲ کشور را ترک کرده‌اند. بسیاری از این جمعیت مردان جوانی بودند که مهاجرت آن‌ها نسبت جنسی نامتعادل روسیه را بیشتر تغییر می‌دهد. این نسبت در سال ۲۰۲۱ به این شکل بود که به‌ازای هر ۱۰۰ مرد، ۱۲۱ زن بزرگ‌تر از ۱۸ سال وجود داشت.

برسد. این کاهش با افزایش سختی زندگی همراه است. امید به زندگی در بدو تولد مردان روسی از ۶۸.۸ در س ۷۷ به ۲۰۱۹ به ۶۴.۲ در سال ۲۰۲۱ کاهش یافت. مردان روسی اکنون شش سال زودتر از مردان در بنگلادش و ۱۸ سال زودتر از مردان در ژاپن می‌میرند. از طرف دیگر این احتمال وجود دارد که روسیه به چیزی که سایر کشورها را قادر می‌سازد با افزایش سن ثروتمندتر شوند نرسد؛ سطح تحصیلات بالا و رو به رشد. «نیکلاس ابرشتات»، جمعیت‌شناس در مؤسسه «امریکن انترپرایز» در واشنگتن، استدلال می‌کند که این کشور ترکیبی

نرخ بالای مرگ

اگر مرگ‌ومیر ناشی از همه‌گیری به تلفات جنگ و فرار از کشور اضافه شود، روسیه بین ۱.۹ تا ۲.۸ میلیون نفر در سال ۲۰۲۰-۲۰۲۳ بیشتر از وضعیت طبیعی کاهش جمعیتی‌اش از دست داده است؛ آماري به‌مراتب بدتر از اوایل دهه ۲۰۰۰، زمانی که جمعیت تقریباً نیم میلیون نفر در سال کاهش می‌یافت.

با وجود این عوارض، تأثیر کلی کاهش جمعیت، تغییرات زیربنایی در روسیه خواهد بود. اکثر کشورهایی که دچار کاهش جمعیت شده‌اند، تلاش کرده‌اند تا از تحولات اجتماعی بزرگ اجتناب کنند؛ هر چند روسیه ممکن است متفاوت باشد. جمعیت این کشور به‌طور غیرعادی و سریعی در حال کاهش است و شاید تا اواسط قرن به ۱۳۰ میلیون